

# ارتباط دلپذیر با خدا

علیرضا خزایی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی - اصفهان



## بخش پایانی

### شرایط و رویکردهای آموزش نماز

#### ۱- آمادگی و توانستن

- الف) آمادگی جسمی: برای نماز خواندن، توان ایستادن و حفظ تعادل در کودک ضروری است یا لازم است بیمار، خواب آلود و خسته نباشد تا بتواند بایستد.
- ب) آمادگی بیانی و لفظی: کودک برای خواندن نماز باید قادر به تکلم باشد.
- ج) آمادگی عاطفی: کودک باید در شرایط عادی باشد. برای مثال در حال خشم یا بغض از دیگران، هم چنین در حال ترس، اضطراب، کینه و تهدید نباشد. (مانند ترس از کتک خوردن یا ترس از حیوان و...)
- علاقه به خدا در دل او باشد: به طور معمول این امر از سه

سالگی آغاز می شود.

- دعوت کننده به نماز مورد علاقه و احترام او باشد و کودک او را دوست بدارد.
- د) آمادگی روانی: باید عزم و اراده کودک برای انجام وظیفه عبادی مورد توجه قرار گیرد.
- او بخواهد که به نماز بپردازد، البته این آمادگی در سایه تشویق ها و نوازش ها پدید می آید.
- در دوره نوجوانی بتواند از مفاهیم و عبارات نماز سر در آورد و از نتایج عبادت که قرب به خداوند است، آگاه باشد. (تبیین ها و تشریح ها توسط والدین و مربیان در این زمینه کارساز است).
- ه) آمادگی محیطی: منظور همه اماکن و شرایطی است که کودک را در میان گرفته اند. در این زمینه نکات زیر باید مورد عنایت قرار گیرند:
- جو خانه و مدرسه، جو عبادت و نماز باشد.

- در وقت نماز همگان آماده انجام دادن آن شوند. چنان نباشد که پدری فرزندش را به نماز دعوت کند و خود سرگرم روزنامه خواندن باشد.
- در وقت نماز برنامه جاذب دیگری در سر راه نباشد، مثل برنامه تلویزیون، داستان گویی ها، غذا خوردن ها، بازی های مورد علاقه کودک و... (قائمی، ۱۳۷۵)

## ۲- رغبت و خواستن

در واداشتن کودک به نماز، اصل مهم این است که شرایط را به گونه ای فراهم آوریم که کودک آن را بخواهد و بدان راغب باشد و جداً دوست بدارد به همراه والدین برنامه نماز را انجام دهد. برای وصول به این هدف می توان از همان کودکی شرایط را بدین گونه فراهم کرد:

جاذب کردن صحنه نماز:

- برای او جانماز قشنگی تهیه کنید.
- مهر و تسبیحی زیبا و پرزرق و برق برای او فراهم سازید.
- در صورت امکان لباس زیبا برای پسران و چادر نمازی قشنگ برای دختران تهیه کنید.
- عبارات نماز با جلوه ای زیبا، با صدایی خوش و نواهایی دلپذیر و با قرائتی جذاب باشد.
- استفاده از ادبیات به صورت شعرهای قشنگ و سرودهای زیبا درباره نماز.
- ذکر نعمت ها و عنایات خداوند و لطف و محبت او نسبت به انسان ها.
- خوشرویی و داشتن برخوردی خوش در حین دعوت به نماز.
- با حال خواندن نماز (هرگز در حالت کسالت به نماز مشغول نشوید).
- دقایقی قبل از اذان، والدین و مربیان، خود را برای نماز آماده کنند. (قائمی، ۱۳۷۵)

## ۳- آسان گیری

بهترین شیوه برای تربیت، ملایمت و مداراست، زیرا راه و رسم های خشن در تربیت، قلب را از بصیرت دور می کند و عواطف انسانی را از بین می برد. امام علی - علیه السلام - فرموده است: «دل ها را میلی است و روی آوردنی و پشت کردنی، پس دل ها را آن گاه به کار گیرید که خواهان است و

روی در کار، زیرا دل اگر به ناخواه به کاری وادار شود، کور گردد.» (بهزادی چینجانی، ۱۳۸۰)

نکته مهم این است که در سال های اول و مخصوصاً در دوران خردسالی، در نماز به گونه ای عمل کنیم که کودک احساس جبر و خستگی نداشته باشد. نماز را برای او امری سنگین و کسل کننده نسازیم. مستحب است به خاطر چند کودکی که با شما به نماز ایستاده اند، آن را سریع بخوانید. هشیار باشید که او طفل است و حال و روحیه شما را ندارد، به ویژه که از بسیاری از حالات و رفتار شما سر در نمی آورد و معنی عبارات شما را نمی فهمد. در دوران خردسالی او باید نماز را نوعی بازی و تفریح، و نوعی همگامی با پدر و مادر، حتی در حد راضی کردن والدین و جلب نظر آنان به حساب آورد، و نه برای یافتن یک حالت شور و وجد عارفانه! والدین و مربیانی که اصرار دارند، حتی از روی جبر و اکراه، بدون توجه به حال و روحیه کودک، او را نماز خوان بار آورند، ناخود آگاه لامذهب های آینده و افرادی عقده ای را می پروراند. (قائمی، ۱۳۷۵)

هر کار تربیتی باید بر اعتدال بنا گردد و به افراط و تفریط کشیده نشود. خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و میانه معرفی می کند. امت میانه یعنی امتی که همه برنامه هایش در حد اعتدال باشد. (بهزادی چینجانی، ۱۳۸۰)

## ۴- تکرار و مداومت

بسیاری از افکار و اعمال در سایه تمرین و عمل مکرر در انسان تثبیت می شوند. کودک را باید به ظاهر عمل و تکرار در این ظاهر انس دهیم تا باطن او شکل گیرد. بدین سان ماکودک را به تکرار ظاهر در عبادت سوق می دهیم تا زمینه برای انس او به عبادت، تثبیت عمل و ایجاد عادت در او فراهم آید. این عمل ضمن این که یک طریقه تربیت دینی است، عاملی برای سرگرم کردن کودک و ایجاد لذت برای او فراهم خواهد کرد. تکرار، عامل ایجاد عادت می شود که دست بر داشتن از آن حتی در عبادتی چون نماز مایه نگرانی کودک می شود. (قائمی، ۱۳۷۵)

## ۵- رعایت ضوابط

در ضمن آموزش عملی نماز، آموزش ضوابط هم مورد نظر است. به این معنی که تدریجاً به کودک می آموزیم چه

## در واداشتن کودک به نماز، اصل مهم این است که شرایط را به گونه ای فراهم آوریم که کودک آن را بخواهد و بدان راغب باشد و جداً دوست بدارد به همراه والدین برنامه نماز را انجام دهد.

و نماز شود. برنامه واداشتن و عادت دادن او به نماز باید بر اصل تدریج مبتنی باشد. کودک نباید یک باره بار سنگینی از وظایف دینی را بر دوش خود احساس کند. حتی در مسئله وضو گرفتن، توصیه شده کودک از ابتدا تا چند ماه به شستن دست قناعت کند و آن گاه تا چند ماه به شستن دست و صورت بسنده نماید و از سن ۹ سالگی به بعد، وضوی کامل بگیرد. (قائمی، ۱۳۷۵)

### ۷- تشویق و تأیید

تأکید بر ویژگی های مثبت افراد در هر سنی که باشند، آن ها را به بهتر بودن تشویق می کند. ستایش و تحسین به جای عیب جویی، ارائه پیش نهاد های سازنده به عوض طعنه زدن، به جای اخم، و امید بخشیدن به عوض نومید کردن، همگی حاصل نگرش مثبت اند. (خزائی، ۱۳۸۰)

بنابراین، باید نماز را برای کودک با تشویق همراه سازیم و در فرصت های مناسب او را به عنوان کودکی نماز خوان معرفی نماییم یا از گفته هایی این چنین استفاده کنیم:

- آفرین بر تو پسرم که با نماز خواندنت بهشتی می شوی.
- آفرین بر دخترتم که با نماز خواندن می خواهد مثل فاطمه زهرا. سلام الله علیها. باشد.
- از وقتی که نماز خوان شده ای تو را بیش تر دوست دارم.
- وقتی وضو می گیری و نماز می خوانی، صورتت پر نور می شود.

به طور کلی زبان خوش، برخورد خوش، در برگرفتن کودک، سرشار کردن او از نشاط و شادابی و دست کشیدن بر سر او به هنگام بیدار کردنش برای نماز صبح، فوق العاده مؤثر است. (قائمی، ۱۳۷۵)

### ۸- رویکرد الگویی

الگو نمونه ای است که آدمی آگاهانه یا ناخود آگاهانه از او تقلید می کند. ارائه الگو و اسوه، مؤثرترین و موفق ترین روش تربیتی است. کودک در زندگی نیاز به الگو دارد، زیرا داشتن الگو باعث آموزش سریع مسائل و انتقال مفاهیم می شود. (بهزادی چینجانی، ۱۳۸۰)

در قرآن کریم وجود مقدس حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - اسوه حسنه معرفی شده است. «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة» همانا رسول خدا برای شما

چیزهایی نماز را باطل می کند. البته بیان مبطلات نماز به صورت تدریجی صورت می گیرد. به او می گوئیم که مثلاً راه رفتن، حرف زدن، خوردن و آشامیدن در حین نماز آن را باطل می کند. برای اطمینان از این که آیا او مبطلات نماز را می داند یا نه، به او می گوئیم: «من نمازی را پیش تو می خوانم، بین نماز درست است یا باطل. و اگر باطل است به چه علت؟» در ضمن نماز ناگهان راه می رویم، یا حرف می زنیم، تا او اشکال کار ما را بگوید، مثلاً یاد آور شود که به علت راه رفتن، نماز باطل است. این که بخواهیم کودک واجبات نماز را حفظ کند و طوطی وار آن ها را بیان بدارد، ممکن است نماز را مثل درس تاریخ و جغرافیا بداند. کودک باید از طریق آموزش های عملی به این فرمول ها دست یابد. (قائمی، ۱۳۷۵)

### ۹- تدریجی بودن تربیت

تربیت کردن و تربیت پذیری امری تدریجی است و با رعایت توانایی و قدرت افراد ممکن می شود. توجه به تفاوت های فردی از مهم ترین اصول تربیت است. زیرا انسان ها از ظرفیت های متفاوتی برخوردارند، و این امر از نشانه های قدرت خدای متعال است. امیر مؤمنان علی - علیه السلام - فرموده: «خیر مردم در تفاوت آن هاست و اگر همه در استعدادها مساوی باشند، هلاک شوند.» بنابراین، باید با کودک به مقدار توانایی او رفتار شود. (بهزادی چینجانی، ۱۳۸۰)

نباید انتظار داشته باشیم که کودک، یک شبه اهل عبادت

سرمشق نیکویی است. کودکان از طریق مشاهده نماز خواندن اسوه‌های خود (پدر و مادر، معلمان، روحانیان و...) بهتر و راحت‌تر رفتار آنان را یاد می‌گیرند. براساس تحقیقات انجام شده، ۷۵ درصد یادگیری افراد از طریق حس بینایی (مشاهده)، ۱۳ درصد از طریق حس شنوایی و مابقی از طریق حواس دیگر انسان انجام می‌گیرد. «مولوی» شاعر گرانقدر قرن هفتم می‌گوید:

آن چه یک دیدن کند ادراک آن

سال‌ها نتوان نمودن با بیان

«جان دیویی<sup>۲</sup> معتقد است: «کودک باید با موقعیت‌های عینی مواجه شود تا تجربه کسب کند.» کودک انسان در آغاز یک مقلد است و تا آخر عمر به همین صورت باقی خواهد ماند، گرچه بارشد عقلی از تقلید او کاسته خواهد شد. «جان لاک<sup>۳</sup> می‌نویسد: «از طریق سرمشق است که روح کودک پرورش می‌یابد و تنها از این راه است که تربیت با ارزش به طفل می‌توان داد» (خزائی، ۱۳۸۰)

کودک، بیش‌تر از اعمال بزرگسالان درس می‌آموزد، تا از گفتار آنان. هرگاه کودک با شخص مورد ستایش خود همانند سازی کند، بدون آن که تحت فشار قرار گیرد، داوطلبانه از الگوهای رفتاری که در آن شخص مشاهده می‌کند، تقلید خواهد کرد. (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۱)

«برای این که کودک را به انجام دادن عملی ترغیب کنیم باید ترتیبی بدهیم که او بتواند شخصی را که از نظر او مهم یا محبوب است در حال انجام دادن آن عمل مشاهده کند.» با نفوذترین و محبوب‌ترین افرادی که می‌توانند برای کودکان الگو واقع شوند پدران، مادران و معلمان‌اند. به عنوان مثال دانش‌آموزی با مشاهده این که معلمش نماز می‌خواند، ممکن است این رفتار معلم برای او با ارزش قلمداد شود. او با دیدن افراد دیگری در جامعه که نماز می‌خوانند، این ارزش را برای خود مهم تلقی می‌کند. حال اگر خود به نماز خواندن مبادرت ورزد و در موقعیت‌های مختلف به این عمل ادامه دهد، ارزش نماز خواندن در او درونی می‌شود. او این ارزش را همراه



خود به اجتماعات دیگر می‌برد، بر ارزش‌های مثبت جامعه می‌افزاید و باعث رشد اخلاقی جامعه می‌گردد. (خرزائی، ۱۳۸۰)

#### ۹- رویکرد تکریم شخصیت

روان‌شناسان معتقدند که حتی در تربیت خانوادگی و اجتماعی، رفتار اهانت‌آمیز و مغایر با تکریم شخصیت افراد و دلسردکننده نسبت به فرزندان و تسلط بیش از حد والدین بر فرزندان خود باعث می‌شود آنان خود را درمانده و نالایق بشمارند. در تربیت دینی، شناساندن خوبی‌ها و نکوهش زشتی‌ها و بالا بردن درک تربیت دینی، اگر همراه با تکریم شخصیت مخاطبان صورت پذیرد، منجر به تقویت ارزش‌های معنوی و سست کردن ارزش‌های ناهنجار می‌گردد. (خرزائی، ۱۳۸۰)

پدران و مادرانی که علاقه دارند فرزندى با شخصیت مطلوب پرورش دهند لازم است از دوران کودکی به آن توجه کنند. حضرت علی - علیه السلام - فرموده است: «با مخاطب خویش پسندیده و مؤدب سخن بگویند تا او نیز با احترام جواب گوید». (بهزادی چینجانی، ۱۳۸۰)

اول باید روی نکات مثبت فرد انگشت گذاشت و با دادن شخصیت و کرامت به او، در دلش وارد شد. سپس به سؤالات او باید پاسخ درست داد تا امکان نفوذ و هدایت فراهم گردد. (بدون نام نویسنده، ۱۳۸۰)

#### پیش‌نهادهای

۱- کودکان و نوجوانان در صورتی پدر و مادر خود را به عنوان اسوه اخلاقی، تربیتی و اجتماعی می‌پذیرند که از جام محبت آنان سیراب شوند. به پدران و مادران پیش‌نهاد می‌شود هر چه بیش‌تر باورها و ارزش‌های دینی را در خود تقویت کنند تا از این طریق، الگوهایی مناسب و تأثیرگذار برای تغییر رفتار فرزندان خود باشند. از ویژگی‌های مهم اولیا برای اسوه بودن می‌توان تقوا، تواضع، گذشت، پرهیز از خشم، پرهیز از خودستایی، وفای به عهد، پرهیز از گفتار بدون عمل، عدالت، و احترام به قوانین و مقررات را نام برد. علاوه بر الگو بودن اولیا و معلمان، همسویی و هم‌نوایی ارزش‌های خانواده و مدرسه و دیگر نهادهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه نیز ضروری است.

۲- سخن گفتن به زبان مردم و با اعتماد و سادگی و ظرافت بیان کردن، همواره رمز موفقیت رهبران الهی در جذب مردم به سوی خداوند بوده است. (خرزائی، ۱۳۸۰)

کودکان و نوجوانان، زبان خود را می‌طلبند و باید آموزش نماز و تربیت دینی را به تناسب زمان و به‌طور دقیق و جامع و مانع برای آنان تبیین و تعریف کرد. نوجوان در طی مراحل رشد خویش خصوصاً در دوران بلوغ، توجهش به مسائل ماورای طبیعی جلب می‌شود و توجه او به سمت زیبایی‌های معنوی برانگیخته می‌شود. گرایش‌های اخلاقی در کنار گرایش‌های دیگر از جمله منفی‌بافی، منفی‌گرایی، تخریب‌گرایی و چرخش به سمت ضد ارزش‌ها، وجود او را احاطه می‌کنند و اگر نوجوان و جوان از لحاظ تربیتی، به سرانجامی نیک هدایت نشوند، جنبه منفی تقویت شده، منجر به تضعیف جنبه دیگر می‌شود. قبل از آن که کودکان و نوجوانان به سمت ضد ارزش‌ها سوق داده شوند، باید ارزش‌ها و باورهای دینی را با رویدادها و خاطرات شیرین همراه ساخت و



باید به عنصر زیباشناسی و زیبادوستی، القای پیام‌های تربیتی در قالب‌های زیبای شعر، داستان، تأثر، نمایش، فیلم، خط، نقاشی و موسیقی توجه شود تا روح کودک و جوان پذیرای پیام‌هایی چون پیام عظیم و باشکوه «نماز» شود. (عطاری، ۱۳۸۰)

۴- تکریم شخصیت تنها صفت کلامی نیست، بلکه در برخوردها نیز لازم است. چراکه با نرمی و مهربانی و احترام به شخصیت است که نسل نوجوان و جوان به سمت ارزش‌ها راغب‌تر می‌شوند و به تجربه ثابت شده است که با اکراه و اهانت و تهدید نمی‌توان کسی را هدایت کرد. (خزائی، ۱۳۸۰)

باید به انواع سؤال‌های کودکان و نوجوانان درباره مسائل دینی، به ویژه «نماز»، پاسخ مناسب ارائه گردد و بر خصوصیات

در تربیت دینی. شناساندن خوبی‌ها و نکوهش زشتی‌ها و بالا بردن درک تربیت دینی. اگر همراه با تکریم شخصیت مخاطبان صورت پذیرد. منجر به تقویت ارزش‌های معنوی و سست کردن ارزش‌های ناهنجار می‌گردد.



از ابزارهای هنری و تکنیک‌ها استفاده نمود. هم چنین برای آموزش برخی مفاهیم دینی، باید از مصادیق عینی که در جامعه یافت می‌شود، استفاده کرد. (خزائی، ۱۳۸۰)

۳- جوانان تازه جو و نوگرا می‌باشند، از این رو ترغیب به نماز باید با زبانی نو مطابق ذوق و علاقه آنان باشد. اگر نوجوان یا جوان احساس کند که مطابق با زمانه‌اش نیست و نمی‌تواند همپای همگان در مطالب مورد علاقه آنان شرکت کند، برای او مشکل آفرین خواهد بود و او را نسبت به خود بی‌اعتماد خواهد ساخت. اسوه‌های کودکان و نوجوانان و جوانان باید فرهنگی را که خود و دیگران در آن زندگی می‌کنند بشناسند و با جنبه‌های مثبت و منفی آن کاملاً آشنا باشند تا بتوانند آن را در قالب الگوهای امروزی به نمایش بگذارند. روان‌شناسان کودک، لبخند را از نخستین جلوه‌های توسعه رفتارهای اجتماعی می‌دانند. پاکیزگی، نظم و ترتیب و استفاده از لباس‌هایی با رنگ‌های شاد و روشن در نماز، به ایجاد احساس نشاط و شادمانی کمک می‌کند. (خزائی، ۱۳۸۰)

مثبت آن‌ها تأکید شود تا توجه و انگیزه آنان برای مشاهده و یادگیری «نماز» از طریق اسوه‌های خود ارتقا یابد.

۵- جشن تکلیف، به عنوان عاملی اساسی، جذاب و خوشایند برای نوجوانان است. جشن تکلیف که بیش تر برای دختران اجرامی شود، برای پسران نیز برگزار گردد. سرمایه‌گذاری در این زمینه، اثرات عمیقی در پایداری باورهای دینی، به ویژه «نماز» دارد.

۶- به سیمای جمهوری اسلامی پیش نهاد می‌شود، به منظور آموزش مفاهیم و باورهای دینی، موضوع‌های مربوط به زندگی افراد را در قالب برنامه‌های خوشایند و جالب به نمایش بگذارد. به ویژه آن که انتقال باورهای دینی به کودکان از طریق کارتون بسیار مؤثر است.

۷- از طریق همراه کردن باورهای دینی با اعیاد و مراسم ویژه که سالی یک بار تکرار می‌شوند، می‌توان در جهت درونی شدن باورها اقدام کرد. برای مثال در مراسم عید نوروز که عوامل عینی و خوشایندی از قبیل قرآن، سبزه، آیینه، تنگ آب و ماهی، میوه، شیرینی، لباس نو، لبخند، شادی، محبت و... وجود دارد، می‌توان هنگام تحویل سال نو، قرآن، دعا و نماز خواند.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱- سورة احزاب، آیه ۲۰

2- JOHN DEWEY

3- JOHN LOCKE

#### منابع:

- بهزادی چینجانی، زهرا (ویژه نامه تابستان ۱۳۸۰): تعلیم و تربیت فرزندان و خانواده، ماهنامه تربیت، سال شانزدهم، صص ۶۵-۶۳.
- خزانی، علیرضا (اردیبهشت ۱۳۸۰): نقش معلمان در توسعه باورهای دینی و رشد اخلاقی جامعه، مجموعه مقالات برگزیده همایش معلم، فرهنگ و توسعه، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، صص ۱۳۸-۱۲۸.
- عطاری، سید احمد (ویژه نامه تابستان ۱۳۸۰): راه کارهای عملی برای جذب فراگیران به نماز، ماهنامه تربیت، وزارت آموزش و پرورش، سال شانزدهم، صص ۷۹.
- قائمی، علی (۱۳۷۵): اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی، تهران، ستاد اقامه نماز، صص ۶۶-۱۰.
- نوابی نژاد، شکوه (۱۳۷۱): عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی کودک، مجموعه مقالات سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی، تهران، انتشارات تربیت، صص ۲۴۰.
- بدون نام نویسنده (خرداد ۱۳۸۰): رهبری دینی نسل جوان، ماهنامه تربیت، وزارت آموزش و پرورش، سال شانزدهم، صص ۱۴.

